

رابطه‌ی جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری

مسعود حاجی‌زاده میمندی*، فاطمه ابراهیمی صدرآبادی**

چکیده: جنسیت و دین‌داری دو مفهوم جامعه‌شناختی در روزگار ما هستند که مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان قرار گرفته‌اند و گسترش نهضت‌های طرفدار حقوق زنان و اهمیت جنبش‌های دینی در جهان سبب افزایش توجه به این دو پدیده و رابطه‌ی بین آن‌ها شده است. این پژوهش با هدف مطالعه‌ی رابطه‌ی بین جنسیت و میزان ابعاد دین‌داری انجام می‌پذیرد. جامعه‌ی مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه یزد هستند که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با استفاده از نسبت دانشجویان دختر به پسر، برابر ۱۶۰ دختر و ۱۰۶ پسر تعیین و دو گروه با هم مقایسه خواهند شد. تکنیک گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان دین‌داری در مجموع، بالا (۶۷ درصد) و نمره‌ی زنان بالاتر از مردان است. همچنین در همه‌ی ابعاد دین‌داری جز بُعد مناسکی، تفاوت بین مردان و زنان معنادار است به طوری که در همه‌ی ابعاد پیامدی، اعتقادی و عاطفی نمره‌ی زنان بیشتر از مردان است.

واژه‌های کلیدی: دین‌داری، جنسیت، میزان دین‌داری، ابعاد دین‌داری.

مقدمه

دین در کنار حکومت، اقتصاد، آموزش و پرورش و خانواده یکی از پنج نهاد اجتماعی اساسی و اولیه در هر جامعه است و مانند نهادهای اجتماعی اساسی دیگر دارای ویژگی‌های: ۱. عمومی بودن ۲. تداوم ۳. جهانی بودن ۴. برطرف‌کننده‌ی نیازهای اساسی افراد ۵. دارای اهمیت حیاتی است. یعنی اول این که نهاد دین از نهادهای نخستین و همگانی است و در تمام جوامع انسانی عمومیت دارد؛ دوم: ضرورت نهاد دین در جامعه حیاتی و اساسی است؛ سوم، نهاد دین‌داری قدمت است و شکل‌گیری آن مترادف با شکل‌گیری جامعه‌ی بشری است؛ چهارم، این نهاد- هم قبل از به وجود آمدن فرد و هم بعد از آن- وجود داشته است و فرد در بدو تولد

masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

febrahimisadr@gmail.com

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام‌نور رضوان شهر یزد

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۶/۲۴

۱۳۶ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

آنرا در مقابل خود می‌یابد و پنجم این که این نهاد به کندی تغییر می‌کند، اما از بین نمی‌رود زیرا لازمی حیات اجتماعی جامعه‌ی انسانی است (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۷۰: ۱۵۵۱).

رابطه‌ی دین و جنسیت از مباحثی است که با توجه به ماهیت آن در زمره‌ی مسائل جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد. دین به قول دورکیم پدیده‌ای در اعلی‌درجه‌ی اجتماعی و چه بسا سرمنشأ تمام امور و نهادهای اجتماعی مانند شناخت بشری و هویت جامعه‌ی انسانی است (دورکیم، ۱۳۸۲: ۵۸۰). جنسیت نیز امری اجتماعی است و به‌خصوص در دوران اخیر با گذشت از موج دوم و گاهی سوم «تافلری» و تغییر شگفت‌انگیز در نقش‌ها و انتظارات اجتماعی از این نقش‌ها، و شکل‌گیری نهضت‌های زنان در سراسر جهان و افزایش یافتن آگاهی‌های آنان نسبت به حقوق خود، به‌عنوان یکی از مباحث نظری و دست‌مایه‌های تحقیق میدانی مورد توجه قرار گرفته است (دواس، ۱۳۸۶: ۲۵).

چیزی نیست که بیش از پیش زمینه‌های دینی فرهنگ‌مان بر الگوهای موجود رفتار جنسی‌مان تأثیر داشته باشد. محال است بتوان رفتار جنسی آدم‌ها را دریافت مگر آن که به قدر کافی به عقاید و روش‌های دینی بستر فرهنگی توجه کرد (زاگرم، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

پرداختن به رابطه‌ی بین این دو متغیر اجتماعی یعنی جنسیت و دین‌داری از دو جنبه قابل توجه است. از طرفی، درصد بالایی از جمعیت جوان جامعه‌ی ایران را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. بنابراین نیاز به توجه و رسیدگی بیشتری به امیال، گرایش‌ها و نظرات آنان احساس می‌شود. از طرف دیگر، نگرش‌ها و تلقی‌های منفی نسبت به رفتارها و برخوردهایی که به نام دین با زنان می‌شود باعث شده است تا مسائلی مانند حجاب زنان، نابرابری حقوقی زن و مرد و روی‌کرد خشن نسبت به زنان در کانون تبلیغات رسانه‌ای جهان غرب علیه ایران قرار گیرد به‌طوری‌که آمار دوسالانه نشان از رشد مداوم طرح مسائل زنان در شکل منفی دارد (خجسته باقرزاده، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

در این پژوهش کوشیده‌ایم تا رابطه‌ی جنسیت و دین‌داری در میان دانشجویان دانشگاه یزد به روش میدانی پیمایشی، مطالعه و مشخص شود که یافته‌های این پژوهش تا چه اندازه در هماهنگی با یافته‌های سایر پژوهش‌ها در این حوزه است و این پژوهش تا چه اندازه توانسته است مرزهای رشته‌ی جامعه‌شناسی دینی و جامعه‌شناسی جنسیت در ایران را امتداد دهد.

رابطه‌ی جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری ۱۳۷

به‌طور کلی این پژوهش با دو هدف زیر انجام یافته است:

- به‌دست آوردن شناخت معتبر درباره‌ی میزان دین‌داری دانشجویان دختر و پسر دانشگاه یزد و تفاوت بین آن‌ها.
- به‌دست آوردن رابطه‌ی جنسیت با ابعاد دین‌داری (عاطفی، مناسکی، ایدئولوژیکی، اعتقادی) در میان دانشجویان دانشگاه یزد

مبانی نظری

پیشینه‌ی پژوهش

یکی از پژوهش‌هایی که در ارتباط با سنجش نگرش‌های دینی با استفاده از مدل «گلاک و استارک» در ایران انجام گرفته، تحت عنوان «سنجش نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی» توسط سیدحسین سراج‌زاده انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران و از نظر سنی ۱۶-۱۷ ساله و شامل دختران و پسران بوده است. یافته‌های این تحقیق حکایت از گرایش و علائق دینی بالا در میان نوجوانان دارد. نسبت رابطه‌ی معکوس بین طبقه و دین‌داری در این تحقیق تأیید شده است. در ارتباط با متغیر جنسیت، تفاوتی اندک بین دختر و پسر دیده شده به‌طوری‌که نمره‌ی دین‌داری دختران بیش از پسران بوده، اما به لحاظ آماری این تفاوت معنادار نبوده است. در این تحقیق چنین استدلال شده است که چون در ایران فرهنگ دینی است، هر دو جنس گرایشی بالا از دین‌داری نشان داده‌اند. همچنین درمیان پاسخ‌گویان نمره‌های بُعد اعتقادی یا باورهای دینی قوی‌تر از سایر ابعاد بوده است. نمره‌ی دین‌داری در ابعاد پیامدی و مناسکی به مراتب پایین‌تر بوده است (سراج‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۹-۱۰۸).

منوچهر محسنی پژوهشی با عنوان «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران» انجام داده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، شرکت زنان در مجالس روضه بیشتر از مردان و شرکت مردان در نماز جماعت مساجد بیش از زنان بود. زیارت در میان زنان رایج‌تر و نذر کردن نزد آنان بیشتر بود. ضمن این‌که به لحاظ پرداخت فطریه تفاوت جنسیتی معنادار نبود.

پژوهش ملی دیگر در ۲۸ استان کشور «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» نام دارد که در سال ۸۲ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «در بسیاری از

۱۳۸ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

مؤلفه‌های دین‌داری اختلاف میان زنان و مردان چندان معنادار نیست و تنها در مؤلفه‌های شرکت در نماز جماعت مساجد، نماز جمعه، حضور در هیأت مذهبی و عزاداری تاسوعا و عاشورا، نمره‌ی مردان کمی بالاتر از زنان است و زنان در مؤلفه‌های احساس نزدیکی به خدا، اقامه‌ی نماز به‌طور مرتب، اعتقاد به آخرت، توکل به خدا، روزه گرفتن، تلاوت قرآن، زیارت اماکن متبرکه، تلقید از مرجع دینی، شرکت در مراسم دعای کمیل و استخاره نمره‌ی بالاتر کسب کرده‌اند» (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲: ۱۵۳-۱۴۴).

تحقیق دیگر، پژوهش «سنجش دین‌داری جوانان» است که آقای محمدرضا طالبان انجام داده است و در آن با روش پیمایشی - توصیفی سه بعد عقیدتی مناسکی و تعهد دینی را بر نمونه‌ی ۳۸۵ نفری دانش‌آموزان دختر و پسر در پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان‌های روزانه‌ی دولتی در سال ۷۶-۷۷ مورد آزمون قرار گرفته است. او در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که «تنها اقلیت بسیار ناچیزی از پاسخ‌گویان (۲/۶ درصد) دین‌داری ضعیفی دارند که در این میان نسبت دختران اندکی بیش از پسران است (۲/۸ درصد در برابر ۲/۴ درصد). در مقابل، اکثریت قابل توجهی از جوانان نمونه‌ی تحقیق (حدود ۸۳ درصد) از نظر دین‌داری قوی ارزیابی شده‌اند که در این میان نسبت پسران بیش از دختران بوده است (۸۵/۸ درصد در مقابل ۷۹/۹ درصد)» (طالبان، ۱۳۷۷: ۱۲۵-۱۲۸).

در تحقیق خارجی که توسط پوریوسفی در مورد سنجش دین‌داری انجام گرفته، از مدل «گلاک و استارک» استفاده شده است. این تحقیق بر روی دانشجویان مسلمان مشغول به تحصیل در دانشگاه شیکاگو انجام شده است. نتایج این تحقیق میزان دین‌داری بالایی برای نمونه‌ی گزارش می‌دهد. در این تحقیق که ابعاد گوناگون دین‌داری را سنجیده است، میزان دین‌داری دانشجویان در دو بعد اعتقادی و عاطفی بیش از دو بعد پیامدی و مناسکی بوده است (پوریوسفی، ۱۹۸۴ به نقل از سراج زاده، ۱۳۸۳).

والتر^۱ و داوی^۲ در مقاله‌ای با عنوان «مذهبی بودن زنان در غرب جدید» در پی یافتن علل مذهبی‌تر بودن زنان بوده‌اند. آن‌ها اظهار کرده‌اند که زنان در تمام شاخص‌های دین‌داری دارای نمرات مذهبی بالاتری نسبت به مردان بوده‌اند. این مسأله نه‌تنها در شاخص‌هایی از قبیل رفتن به کلیسا و عبادات شخصی، بلکه در محتوای مذهبی بودن نیز مشخص است؛ حتی مشارکت رسمی مذهبی هم در میان زنان بیشتر است.

1. Walter

2. Davie

رابطه‌ی جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری ۱۳۹

در تحقیقی که کیهان موتلو درباره‌ی عقاید مذهبی دانشجویان ترکیه در دو سال ۱۹۷۸ و ۱۹۹۱ انجام داده به نتایج ذیل رسیده است. محقق یادآوری می‌کند که میزان موافقت با سؤالات مطرح‌شده در مورد عقاید مذهبی افزایش یافته، به طوری که این میزان در سال ۱۹۷۸، ۵۲ درصد بوده است و در سال ۱۹۹۱ به ۶۷ درصد رسیده است. این میزان بیان‌گر رشد جهت‌گیری دانشجویان و جامعه‌پذیری دینی آن‌هاست و پذیرش مسائلی از قبیل اعتقاد به خدا، روز جزا و بهشت و جهنم، دستورات قرآن در میان آنان افزایش یافته است (موتلو، ۱۳۷۲: ۷۴-۷۱؛ به نقل از مصری، ۱۳۸۵).

بنجامین بیت هالامی و میشل آرچیل در کتاب «روانشناسی رفتار، باور و تجربیات مذهبی» به تحلیل نتایج تحقیقات چندساله‌ی خود درباره‌ی دین‌داری مردم آمریکا و انگلستان پرداخته‌اند و در بخش تفاوت جنسیتی تصریح می‌کنند که «در این دو کشور، سطح درگیری با شعائر، میزان عبادات روزانه و عقاید دینی در زنان بیش از مردان است. [در این کتاب آمده است] که زنان حتی احساس نزدیکی بیشتری به خدا دارند و بنابراین در مذهب، محافظه‌کارتر و جزمی‌ترند» (بیت هالامی و آرچیل، ۱۹۹۷: ۱۴۱-۱۳۹؛ به نقل از مصری، ۱۳۸۵).

چارچوب نظری

رابطه‌ی بین مسائل جنسی و جنسیتی از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان قرار داشته است. برای مثال؛ جیمز فریزر، انسان‌شناس معروف، نشان می‌دهد که حتی در ادیان ابتدایی و ملل شرق (هند) و غرب (یونان باستان) رابطه‌ی بین دین و جنسیت در قالب نام‌گذاری و اعطای نقش‌ها به الهه‌ها مورد توجه بوده است (فریزر، ۱۳۸۳). در مطالعاتی که در بسیاری از کشورها صورت گرفته معلوم شده است که زنان مذهبی‌تر از مردان هستند. در این باره چند «تبیین» نظری ارائه شده است که همگی با موفقیت هم‌سازی دارند:

(۱) تبیین دینی و روان‌شناختی:

الف. نظریه‌ی گناه: الهیات قائل به فرودستی با اشارات متعدد به این که زن واقعاً به لحاظ اخلاقی، هستی‌شناختی و عقلی از مرد پایین‌تر است از دیدگاه برتری مردان به‌عنوان [امری که ذاتی] نظام خلقت [است] حمایت می‌کند. لوتر از سنت رهبانی، اعتقاد به تساوی اولیه‌ی حوا و آدم در بهشت را برگرفت. اما او این آموزه‌ی تساوی اولیه را تنها بدین منظور استفاده می‌کرد تا بر اساس گناه حوا که باعث هیبوط شد، بر تابعیت آنان تأکید ورزد زیرا او به علت پیشی‌گرفتن در گناه، تساوی اولیه‌اش با مرد را از دست داده و تحت انقیاد فرامین شوهر درآمده است. ممکن

است زن در مقابل این درد و رنج‌ها شکایت کند، اما باید بیاموزد که این درد و رنج‌ها را به‌عنوان مجازاتی بپذیرد که از طرف خدا به او رسیده است (همان: ۳). ردپای این نظر را می‌توان در رهیافت وبر نیز ملاحظه کرد. به نظر وبر، در بسیاری از سنت‌های مذهبی، آن‌هایی که از شوربختی رنج می‌برند تصور می‌کنند که خشم خدایان کیفرشان داده یا شیاطین آن‌ها را تسخیر کرده‌اند زیرا گناهی که مرتکب شده‌اند آن‌ها را آسیب‌پذیر کرده است. دین با چنین توجیهی از رنج، یکی از نیازهای ژرف و عام بشر را برآورده می‌سازد (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۴۰). این نظر ما را به این‌جا می‌رساند که بگوییم زنان چون برداشتی گناه‌کارانه از مؤنث بودن خود دارند، به‌سوی مفاهیم مذهبی برای تسکین و طلب آمرزش کشیده می‌شوند.

ب. نظریه‌ی فرویدی: تقریر فروید از مشابهت‌هایی معین میان صفات خدایی انسان‌وار و روش و رفتار انسان در مقابل او از یک سو و برداشت طفل از پدر و نحوه‌ی ارتباط با پدر از سوی دیگر شروع می‌شود. در هر دو مورد، آن وجود برتر، قادر مطلق، عالم مطلق و اسرارآمیز تلقی می‌شود. کشش جنسی دختران را به سمت پدر می‌کشد، اما مادر را رقیب و مزاحم می‌پندارند. خدا به‌صورت مرد به هیئت پدر تصور می‌شود بنابراین، از نظر فروید، فرد به والد جنس مخالف خود احساس نزدیکی می‌کند. بنابراین زنان به مذهبی که خدای آن هیئت مردانه دارد جذب می‌شوند (آلستون، ۱۳۸۰: ۶۸).

ج. نظریه‌ی محرومیت: نظریه‌ی محرومیت ریشه در نظریه‌ی فروید درباره‌ی دین دارد. فروید در کتاب «آینده‌ی یک پندار» چنین استدلال می‌کند که زندگی به ناچار با محرومیت همراه است. از آن‌جا که خود تمدن مبتنی بر وانهادن کشش‌ها و انگیزه‌های غریزی است، پیامد گریزناپذیر آن رنج بردن فرد از ناکامی است. تمدن مستلزم نظم و مقررات اجتماعی است که بدون تحمیل محرومیت بر افراد نمی‌تواند تحقق پذیرد. وانگهی ما محرومیت‌هایی را نیز بر همدیگر تحمیل می‌کنیم زیرا در هر جامعه‌ای افراد مسلط بر دیگران به‌نوعی اعمال قدرت می‌کنند. علاوه بر این، خود طبیعت نیز پر از تهدید و محدودیت است. به نظر فروید، گرایش انسان در مرحله‌ی تحول مذهبی تلاش برای مقابله با تهدیدها و محدودیت‌های طبیعت از طریق انسانی کردن آن‌هاست (همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

رابطه‌ی جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری ۱۴۱

چه بسا مذهبی‌تر بودن زنان غیرشاغل ناشی از احساس محرومیت بیشتر در میان کسانی است که در آن‌چه فعالیت‌های ارزش‌مند یک جامعه دانسته می‌شود مشارکت ندارند و توسل به مذهب راهی است برای تسکین این محرومیت (دواس، ۱۳۸۶: ۳۱۷).

۲) تبیین اجتماعی و جامعه‌شناختی:

الف. نظریه‌ی یادگیری اجتماعی: پیروان این نظریه تفاوت‌های جنسیتی را تبیین می‌کنند و معتقدند که رشد نقش جنسیتی تحت تأثیر عوامل اجتماعی است و همین شرایط اجتماعی، کودکان را با مثال‌هایی از الگوهای مردانه و زنانه که به شکل متفاوتی رفتار می‌کنند (از قبیل رفتارهای متفاوت جنسیتی) مواجه می‌کند. اجتماعی‌شدن دختران به آن‌ها می‌آموزد که دل‌سوز، عاطفی، مطیع، منفعل و سلطه‌پذیر باشند. چون مذهب مشوق این خصوصیات است، زنان بیشتر از مردان مذهب را جذاب می‌یابند (خسروی، ۱۳۸۲: ۳۵).

ب. نظریه‌ی نقش: بر اساس این نظر می‌توان گفت که نقش‌های جنسیتی زنان از قبیل فرزندآوری و فرزندداری، موقعیت نسبتاً منززل و وابسته‌ی زنان نسبت به پدر، مهر و عطوفت زنانه که از نقش‌های زنانه انتظار می‌رود و از همه مهم‌تر، وابستگی آنان به نظام خانواده می‌تواند عاملی مؤثر در بالاتر بودن دین‌داری آنان نسبت به مردان باشد (توسلی، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲). با توجه به این که رویکرد این پژوهش اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناختی است، نظریه‌ی تلفیقی یادگیری اجتماعی و نظریه‌ی نقش که در چارچوب نظریه‌ی کنش متقابل نمادی می‌گنجد به‌عنوان نظریه‌ی راهنمای این تحقیق در مورد تفاوت میزان دین‌داری زنان و مردان، و نظریه‌ی گلاک و استارک در مورد تفاوت ابعاد دین‌داری در میان زنان و مردان استفاده شده است. در این تحقیق، فرضیه‌ی اول یعنی تفاوت میان زنان و مردان در میزان دین‌داری، به‌طور کلی از نظریات گناه، فرویدی، نقش و یادگیری اجتماعی گرفته شده است و فرضیه‌های موجود درباره‌ی تفاوت میان زنان و مردان در مورد ابعاد دین‌داری از نظریه‌ی گلاک و استارک آمده است.

مدل سنجش دین‌داری از طریق نظریه‌ی گلاک و استارک^۳:

ابتدا «گلاک» در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در پی تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا، برای دین‌داری ابعادی را مطرح کرد. سپس در سال ۱۹۶۵ با هم‌کاری «استارک» به شرح و بسط آن پرداخت. در نظر آنان تمام ادیان جهانی با وجود تفاوت‌هایی در اجزاء، اشتراکاتی در کلیت خود دارند که آنان این حوزه‌ها را تحت عنوان ابعاد دین‌داری به پنج بعد کلی تقسیم کردند. این پنج بعد عبارتند از:

۱- بعدی اعتقادی^۴ - ۲- بعد مناسکی^۵ - ۳- بعد تجربی^۶ - ۴- بعد فکری یا شناختی^۷ و ۵- بعد

پیامدی^۸.

بعد اعتقادی باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. بعد مناسکی یا عمل دینی، همان اعمال دینی مشخص نظیر نماز، روزه، شرکت در مراسم مذهبی و نظایر آن است که پیروان هر دین باید آن‌ها را انجام دهند به طوری که در این بعد، معنای عمل از دید کنش‌گر نیز باید بررسی شود. بعد تجربی یا عواطف دینی، در عواطف تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی هم‌چون خدا متبلور می‌شود که واقعیت‌گایی یا ماورایی است. این خود شامل چهار نوع از جلوه‌های عواطف یعنی شناخت، اعتماد، ایمان و ترس می‌شود. بعد فکری یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد طول اصول عقاید دینی و کتب مقدس هر دین را شامل می‌شود که در تحقیقات انجام‌گرفته تا کنون نشان‌دهنده‌ی آن است که این بعد معرف خوبی برای سنجش دین‌داری نیست. بعد پیامدی یا آثار دینی، شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره‌ی فرد معتقد و روابط او با سایرین است.

مدل گلاک و استارک پس از طراحان خود بیشتر نقد و اصلاحات را به خود دیده است. با وجود این، استخراج مدل‌های مشابه پس از مدتی کوتاه نشان‌دهنده‌ی اهمیت این مدل دین‌داری است. با این حال،

3. Gluck and Stark

4. Ideological

5. Ritualistic

6. Experimental

7. Intellectual

8. Consequential

می‌توان عمده‌ترین ضعف‌های این مدل را به شرح زیر بیان کرد:

۱- اگر برای اندازه‌گیری بعد معرفتی یا همان دانش دینی سنجه‌هایی مانند مطالعه‌ی متون دینی، آگاهی از احکام و تفاسیر، داشتن آگاهی و دانش درباره‌ی آموزه‌های دینی و... را به کار بگیریم، نمره‌ی این سنجه‌ها ممکن است چندان واقعی نباشد به خصوص در ایران که به علت حاکمیت نظام دینی و بر اساس آموزش‌های رسمی و غیررسمی مجبورند از کودکی بسیاری از آموزه‌ها را بیاموزند. به همین دلیل این افراد در دوران مدرسه و دانشگاه از واحدهای درسی بینش اسلامی و معارف اسلامی نمرات بالایی کسب می‌کنند، اما از نظر سایر ابعاد دین‌داری مانند اعتقادی و مناسکی نمره‌ی پایینی می‌گیرند و بر این مبنای دین‌دار محسوب نمی‌شوند. در جامعه‌ی ماریال بسیاری از افراد در بحث‌های دینی شرکت می‌کنند، خرافات را از آموزه‌های دینی تمیز می‌دهند و در زمینه‌ی تاریخ اسلام مطالعات گسترده‌ای دارند، اما به آن چه دانش دارند اعتقادی ندارند و به آن چه آموخته‌اند عمل نمی‌کنند.

باوجود چنین ایرادی به بعد دانشی یا معرفتی، این بعد از دل دین‌داری قابل حذف نیست. توجه مناسب این که مطالعه، نقد، تفسیر و تلاش در فهم و درک متون دینی در دنیای امروز از مؤلفه‌های بارز دین‌داری است و بدون توجه به آن، دین‌داری افراد در سطح باقی می‌ماند و امکان لغزش افراد دین‌دار بالا می‌رود، بنابراین بعد معرفتی - نه به تنهایی - که در کنار سایر ابعاد، نشانه‌ی دین‌داری است.

۲- ابزار سنجش گلاک و استارک به لحاظ طبقه‌بندی مقولات دارای اشکالاتی است. مانند این که بعد معرفتی و عقیدتی (باور) هم‌پوشانی دارند و هر دو جزئی از بعد ایدئولوژیک محسوب می‌شوند. البته می‌توان در پاسخ به این ایراد پرسید که بر چه مبنایی بعد ایدئولوژیک اعم از باور عنوان شده و تعریف دقیق آن چیست؟ از سوی دیگر، بعد عقیده و دانش هر یک شاخص‌ها و سنجه‌های خاص خود را دارند و هم‌پوشانی این دو بعد ایرادی است که با تعریف هر یک و توضیح سنجه‌های هر کدام مرتفع می‌شود. در بعد عقیده یا همان باور، از اصول دین بحث می‌شود و در بعد دانش، میزان علاقه‌ی فرد به مطالعه‌ی متون دینی و آگاهی او از آموزه‌ها و نقد آن‌ها مطرح است. بنابراین این بعدها کاملاً از هم مستقل هستند.

۳- انتقاد دیگر - که تقریباً تمام مدل‌های دین‌داری این تحقیق را نیز شامل می‌شود - این است که اساساً مدل‌های دین‌داری، به مفهوم دگرگون‌شده‌ی امروز دین‌داری کمتر توجه کرده‌اند. آنچه در این مدل‌ها اصل است، تظاهرات بیرونی دین‌دار بودن و نه جنبه‌ی باطنی آن است. در این مدل‌ها، غالباً چند پرسش برای سنجش یک بعد مانند عقیده طرح می‌شود و این بعد با تمام گستردگی، به چنین

پرسش‌های محدودی تقلیل داده می‌شود در حالی که فردی ممکن است خود را دین‌دار بداند، اما باورهایش یا جنبه‌ی رفتاری دین‌داری‌اش در چند مقوله‌ی مورد نظر محقق محدود نماند.

فرضیات تحقیق:

- به نظر می‌رسد بین زنان و مردان در میزان دین‌داری، تفاوتی معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین زنان و مردان در بعد عاطفی دین‌داری، تفاوتی معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین زنان و مردان در بعد پیامدی دین‌داری، تفاوتی معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین زنان و مردان در بعد مناسکی دین‌داری، تفاوتی معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین زنان و مردان در بعد اعتقادی دین‌داری، تفاوتی معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش میدانی به روش پیمایش و از نوع کاربردی و مقطعی است. هم‌چنین این تحقیق از نوع مقایسه‌ای است که به صورت مقایسه‌ی دو گروه دانشجویان دختر و دانشجویان پسر انجام شده است. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه یزد است که در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ تعداد آن‌ها بر اساس لیست سازمانی این دانشگاه ۷۹۹۵ نفر بوده است. از این تعداد، ۴۸۵۰ نفر دختر و ۳۱۴۵ نفر پسر بوده‌اند.

در این تحقیق از ترکیب دو روش نمونه‌گیری طبقه‌ای منظم و اتفاقی استفاده شده است. بدین ترتیب که پس از تعیین حجم نمونه، بر اساس نسبت تعداد دانشجویان در هر دانشکده نسبت به کل دانشجویان دانشگاه، تعداد نمونه از هر دانشکده مشخص شد. از آن‌جا که روش پژوهش در این تحقیق مقایسه‌ی دو گروه دانشجویان دختر و پسر بوده است، در هر دانشکده بر اساس نسبت دانشجویان دختر به دانشجویان پسر به تفکیک رشته، تعداد هر کدام در هر رشته از هر دانشکده تعیین شد. پس از آن، در هر دانشکده نمونه‌های مورد نظر به صورت اتفاقی انتخاب شدند.

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، پس از به دست آوردن مقدار احتمال وجود و فقدان متغیر اصلی تحقیق (میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یزد) بر اساس نسبت دو گروه مقایسه و ضمن مفروض گرفتن

رابطه‌ی جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری ۱۴۵

احتمال خطای ۵ درصد (با ضریب اطمینان ۰/۹۵)، معادل ۲۶۶ نفر محاسبه شد. با توجه به این که نسبت دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه یزد برابر با ۰/۶ به ۰/۴ بوده است بنابراین حجم نمونه در گروه دانشجویان دختر دانشگاه یزد برابر ۱۶۰ نفر و در گروه دانشجویان پسر برابر ۱۰۶ نفر تعیین شد.

به منظور احراز اعتبار لازم در این پژوهش، برای سنجش برخی متغیرها از مقیاس‌های استاندارد استفاده کردیم و ضمن بومی‌سازی آن‌ها، در راستای موضوع تحقیق حاضر و چارچوب مفهومی و نظری آن (اعتبار سازه‌ای^۹) از اعتبار صوری^{۱۰} استفاده شد. بدین ترتیب که پیش‌آزمون با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه انجام گرفت و برخی گویه‌ها و سؤالات دارای اشکال و ابهام اصلاح شدند که البته تعداد آن‌ها خیلی کم بود. برای سنجش متغیر میزان دین‌داری در قالب چهار بعد، از گویه‌های مقیاس گلاک و استارک در قالب طیف لیکرت پنج قسمتی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) استفاده شد.

خلاصه‌ی گویه‌های مربوط به هر بعد به صورت زیر است:

گویه‌های مربوط به سنجش بعد اعتقادی: ۱. اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد همه جا را پر می‌کند. ۲. شیطان واقعاً وجود دارد. ۳. در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود. ۴. قرآن کلام خداوند است و هر چه می‌گوید حقیقت محض است. ۵. این دنیای پر از ظلم و جور با حضور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد خواهد شد. ۶. من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم. ۷. هنوز مطمئن نیستم که خدا واقعاً وجود دارد.

گویه‌های مربوط به سنجش بعد عاطفی: ۱. کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد. ۲. گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام. ۳. فکر می‌کنم بدون اعتقاد دینی زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است. ۴. هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیاء می‌روم، احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد. ۵. بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد. ۶. گاهی احساس می‌کنم باید توبه کنم و از خداوند برای جبران گناهانم کمک می‌خواهم.

گویه‌های مربوط به سنجش بعد پیامدی: ۱. در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید این قدر سخت‌گیری کرد. ۲. تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است. ۳. مدیران سیاسی باید کاردان باشند، مذهبی بودن‌شان چندان مهم نیست. ۴. همه‌ی قوانین اسلام را می‌توان در جامعه‌ی امروز اجرا کرد. ۵. با

⁹. Construct Validity

¹⁰. Face Validity

۱۴۶ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

پدیده‌ی بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد. ۶- زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به‌عنوان تماشاچی شرکت کنند.

گویه‌های مربوط به سنجش بعد مناسکی: ۱- هر چند وقت یک‌بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید. ۲- در ایام ماه مبارک رمضان (اگر مریض یا مسافر نباشید) چند روز روزه می‌گیرید. ۳- چقدر قرآن می‌خوانید. ۴- چقدر با مسجد محل یا هر مؤسسه‌ی اسلامی دیگری هم‌کاری دارید. ۵- آیا نماز می‌خوانید. ۶- چه اندازه در نماز جمعه شرکت می‌کنید. ۷- چقدر در اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها که در مساجد و تکیه‌ها تشکیل می‌شود شرکت می‌کنید.

به‌منظور برآورد پایایی سنجه‌ها در پژوهش حاضر، از ضریب آلفای کرونباخ^{۱۱} استفاده شد و نتایج محاسبه‌ی این شاخص در مورد اکثر سنجه‌های به‌کار گرفته شده نشان داد که پایایی سنجه‌های این پژوهش در حد مطلوبی برآورده شده است.

یافته‌های پژوهش

از لحاظ سنی، محدوده‌ی سنی پاسخ‌گویان ۱۸ تا ۲۵ سال با میانگین سنی ۲۱/۵ سال بوده است که ۹۸/۸ درصد آن‌ها در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کردند. درآمد ماهانه‌ی خانواده‌ی پاسخ‌گویان به شرح زیر بوده است:

جدول (۱): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب درآمد خانواده

کل	درآمد						گروه جنس	
	۵۰۰-۷۰۰		۳۰۰-۴۹۹		۱۰۰-۲۹۹			
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۰۴	۴۵/۲	۴۷	۴۰/۴	۴۴۲	۱۴/۴	۱۵	زن
۱۰۰	۷۰	۴۱/۴	۲۹	۴۷/۱	۳۳	۱۱/۴	۸	مرد
۱۰۰	۱۷۴	۴۳/۷	۷۶	۴۳/۱	۷۵	۱۳/۲	۲۳	کل

¹¹. Cronbach's Alpha

رابطه‌ی جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری ۱۴۷

با توجه به جدول فوق می‌توان گفت که میزان درآمد ماهانه‌ی خانواده در هر دو گروه تقریباً مشابه بوده و تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته است و در هر دو گروه بیشترین درآمد مربوط به ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان در ماه بوده است. به‌منظور آزمون فرضیات تحقیق، از آزمون t استفاده شده است. مقایسه میزان دین‌داری در دو گروه دانشجویان دختر و پسر در جدول (شماره ۲) آمده است.

جدول (۲): آزمون معناداری تفاوت میانگین میزان دین‌داری در زنان و مردان

سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	t	میانگین	تعداد	آزمون	
					میزان و گروه	
۰/۰۰۲	۱۹۲/۵۲	۳/۱۴	۷۰/۶۱	۱۵۴	زنان	دین‌داری
			۶۲/۹۶	۱۰۳	مردان	

داده‌های جدول فوق تفاوت معناداری را بین مردان و زنان از نظر میانگین نمره‌ی مقیاس ارزیابی میزان دین‌داری گزارش می‌کنند زیرا سطح معناداری آزمون تی برای میزان دین‌داری ۰/۰۰۲ به‌دست آمده که در هر دو مورد کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض مربوط به وجود تفاوت معنادار بین زنان و مردان در میزان دین‌داری تأیید می‌شود. به‌عبارتی میزان دین‌داری زنان (۷۰/۶۱) بیشتر از مردان (۶۲/۹۶) بوده است. نتایج آزمون t به‌منظور مشخص نمودن تفاوت میان میزان بعد عاطفی دین‌داری در زنان و مردان در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول (۳): آزمون معناداری تفاوت میانگین میزان بعد عاطفی دین‌داری در زنان و مردان

سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	t	میانگین	تعداد	آزمون	
					میزان و گروه	
۰/۰۰۳	۱۹۴/۱۰	۳/۰۳	۸۱/۳۰	۱۵۸	زنان	بعد عاطفی
			۷۴/۲۹	۱۰۶	مردان	دین‌داری

۱۴۸ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

با توجه به داده‌های جدول فوق، تفاوتی معنادار بین مردان و زنان از نظر میانگین نمره‌ی مقیاس ارزیابی میزان بعد عاطفی دین‌داری گزارش می‌شود زیرا سطح معناداری آزمون برای این متغیر $0/003$ به دست آمده که کمتر از $0/05$ است. در نتیجه می‌توان گفت که بعد عاطفی دین‌داری در زنان پررنگ‌تر از مردان است. یافته‌های مربوط به آزمون تفاوت میانگین بعد پیامدی دین‌داری در زنان و مردان در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول (۴): آزمون معناداری تفاوت میانگین میزان بعد پیامدی دین‌داری در زنان و مردان

سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	t	میانگین	تعداد	آزمون	
					میزان و گروه	
0/000	۱۹۲/۹۸	۴/۳۶	۶۶/۴۲	۱۵۷	زنان	بعد پیامدی
			۵۴/۸۴	۱۰۵	مردان	دین‌داری

داده‌های جدول شماره ۴ تفاوتی معنادار را بین مردان و زنان از نظر میانگین نمره‌ی مقیاس ارزیابی میزان بعد پیامدی دین‌داری گزارش می‌کنند زیرا سطح معناداری آزمون برای این متغیر $0/000$ به دست آمده که کمتر از $0/05$ است. بنابراین می‌توان گفت که بعد پیامدی دین‌داری در زنان بیشتر از مردان بوده است. در تحلیل تفاوت بعد مناسکی دین‌داری در زنان و مردان به نتایج زیر دست یافتیم.

جدول شماره ۵. آزمون معناداری تفاوت میانگین میزان بعد مناسکی دین‌داری در زنان و مردان

سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	t	میانگین	تعداد	آزمون	
					میزان و گروه	
0/۷۱۰	۱۹۲/۳۱	0/۳۷	۵۴/۵۵	۱۵۹	زنان	بعد مناسکی
			۵۳/۶۰	۱۰۵	مردان	دین‌داری

با توجه به داده‌های جدول شماره ۵، تفاوتی معنادار بین مردان و زنان از نظر میانگین نمره‌ی مقیاس ارزیابی میزان بعد مناسکی دین‌داری گزارش نمی‌شود زیرا سطح معنادار آزمون برای این متغیر $0/۷۱۰$ به دست آمده که بیش از $0/05$ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی معنادار بین دو

رابطه‌ی جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری ۱۴۹

متغیر بعد مناسکی افراد و درآمد خانواده وجود ندارد. آزمون تفاوت میانگین بعد اعتقادی دین‌داری در زنان و مردان در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول (۶): آزمون معناداری تفاوت میانگین میزان بعد اعتقادی دین‌داری در زنان و مردان

سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	t	میانگین	تعداد	آزمون	
					میزان و گروه	بعد اعتقادی
۰/۷۱۰	۱۹۲/۳۱	۰/۳۷	۵۴/۵۵	۱۵۹	زنان	بعد اعتقادی
			۵۳/۶۰	۱۰۵	مردان	دین‌داری

داده‌های جدول شماره ۶ تفاوتی معنادار را بین مردان و زنان از نظر میانگین نمره‌ی مقیاس ارزیابی میزان بعد اعتقادی دین‌داری گزارش می‌کنند زیرا سطح معناداری آزمون برای این متغیر ۰/۰۰۱ به‌دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بعد اعتقادی دین‌داری در زنان بیشتر از مردان بوده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این تحقیق، از نظر تفاوت میزان دین‌داری بر اساس جنسیت باید گفت که میزان دین‌داری در زنان بیش از مردان بوده است و در سنجش ابعاد دین‌داری، میانگین نمره‌ی به‌دست‌آمده در هر بعد بدین صورت بوده است: بعد اعتقادی (۸۲/۵ درصد)، بعد عاطفی (۷۸/۵ درصد)، بعد پیامدی (۶۱/۷ درصد) و بعد مناسکی (۵۴/۲ درصد). در نتیجه، نمره‌ی بعد اعتقادی بیش از دیگر ابعاد و نمره‌ی بعد مناسکی از دیگر ابعاد کمتر بوده است. در تحقیق «سنجش نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی» که توسط سیدحسین سراج‌زاده انجام گرفته است نیز بعد اعتقادی بالاترین نمره را به‌دست آورده است. همچنین تحقیق پوریوسفی بر روی دانشجویان مسلمان دانشگاه شیکاگو نشان می‌دهد که میزان دین‌داری دانشجویان در دو بعد اعتقادی و عاطفی بیش از دو بعد پیامدی و مناسکی بوده است.

میانگین میزان دین‌داری پاسخ‌گویان نیز ۶۷/۵ درصد و به‌عبارتی نسبتاً بالا گزارش شده و پوریوسفی نیز در پژوهش دانشجویان مسلمان دانشگاه شیکاگو میزان دین‌داری بالایی را گزارش کرده است. در هر

یک از چهار بعد دین‌داری و همچنین در نمره‌ی کل میزان دین‌داری، میانگین نمرات به‌دست‌آمده در زنان بیشتر از گروه مردان بوده است، اما تنها در بعد مناسکی این اختلاف میانگین بین دو گروه از لحاظ آماری معنادار نبوده است. این نتایج با نتایج تحقیقات پیشین هم‌خوانی دارد به‌طوری‌که سیدحسین سراج‌زاده نیز در «سنجش نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی» تأکید می‌کند که هر دو جنس گرایش بالایی به دین‌داری نشان داده‌اند. همچنین در ارتباط با متغیر جنسیت، تفاوتی اندک بین دختر و پسر دیده شده به‌طوری‌که نمره‌ی دین‌داری دختران بیش از پسران بوده که به لحاظ آماری این تفاوت، معنادار نبوده است. والتر و داوی نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافته‌اند که زنان در تمام شاخص‌های دین‌داری دارای نمرات مذهبی بالاتری نسبت به مردان بوده‌اند. در مطالعه‌ی محمدرضا طالبان در «سنجش دین‌داری جوانان» نیز در اکثریتی قابل توجه از جوانان نمونه‌ی تحقیق (حدود ۸۳ درصد)، دین‌داری قوی‌تری ارزیابی شده که بر خلاف نتیجه‌ی به‌دست‌آمده در این تحقیق، نسبت پسران بیش از دختران بوده است (۸۵/۸ درصد در مقابل ۷۹/۹ درصد).

در مجموع، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان دین‌داری دانشجویان دختر و پسر دانشگاه یزد بالا بوده که این میزان در زنان بیشتر از مردان گزارش شده است. همچنین در مورد ابعاد مختلف دین‌داری، هم در زنان و هم در مردان، بالاترین نمره مربوط به بعد اعتقادی و پایین‌ترین نمره مربوط به بعد مناسکی بوده است. به عبارتی؛ بعد اعتقادی دین‌داری پاسخ‌گویان قوی‌تر از ابعاد دیگر و بعد مناسکی ضعیف‌تر از ابعاد دیگر بوده است. از سوی دیگر، نمره‌ی هر بعد در زنان بالاتر از مردان بوده است. در این مورد، استثنائی مربوط به بعد مناسکی وجود دارد که تفاوت میان زنان و مردان در آن معنادار نشده است. بنابراین با توجه به چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت که نتایج دال بر گرایش بیشتر زنان در تمامی ابعاد دین‌داری در مقایسه با مردان است.

منابع

- Alston, P. etal** (2002) Religion and New Perspectives, (translated by Gollam Hossein Tavakolli), Qom: Boostan-e ketab Publication.
- De Vaws, D.A** (2008) Surveys in Social Research, (translated by Hooshang Nayeabi), Tehran: Ney Publication.
- Durkheim, E** (2005) Elementary Forms of Religions Life (translated by Bagher Parham), Tehran: Markaz Publication.

- Frazer, J** (2003) *Golden Bough* (translated by Kazem Firoozmand), Tehran: Agah Publication.
- Hamilton, M** (2003) *The Sociology of Religion* (translated by Mohsen Solassi), Tehran: Tabyan publication.
- Khojasteh Bagherzade, H** (2005) *Foreign Media, Feminism and Cultural Change in Iran*, Tehran: "Culture and Communication Studies", vol.2, No. 2-3, spring and summer.
- Khosravi, Z** (2004) *Psychological Foundations of Gender*, Tehran: Office for Social Planning and Cultural Studies, Ministry of Science, Research & Technology.
- Mesrey, K** (2005) *Gender and Religiosity: The Study of Rate and Dimensions of Religiosity among the Students of Tarbiyat-e Modarres*. M. A Thesis.
- Movahhed, M** (2005) *Feminist Theology and Secularization*, "Quarterly Journal of Religious Thought", Shiraz University, No. 20: 81-106.
- Pouryousefi, Hamid** (1984) *College Impact on Religiosity of Muslim Students Studing in the United States*, Ph.D Dissertation, Kalamazoo, Michigan.
- Serajzadeh, S.H** (1999) *Religious Attitude and Behaviors among the Youths*, Tehran: "Quarterly Journal on Information of Researches", Vol.2, No. 7-8, winter and Autumn, 1998-99.
- Serajzadeh, S.H** (2005) *Challenges between Religion and Modernity: Sociological Discussions about Religiosity any Secularization*, Tehran: Now Publication.
- Taleban, M.R** (1999) *The Measurement of Religiosity among Youths*, "Quarterly Journal on Information of Researches", Vol.2, No. 121-129, Winter and Autumn, 1998-99.
- Tavassoli, G.A** (2002) *Religious Sociology*, Tehran: Sokhan Publication.
- Vosoughi, M, Nikkholgh, A.K** (1999) *An Introduction to Sociology*, Tehran: Kheradmand Publication.